**( 293 )**

**هو الله**

ای یار مهربان سمع مشتاقان همواره منتظر استماع خبر دوستانست و قلب تفقد نام و نشان یاران نماید دیگر معلوم است ورود نامه چه تأثیر بخشد میدانم که ترک راحت و آسایش خویش نمودی و بیگانه و خویش را فدا کردی و منقطعا الی الله و منجذبا بنفحاته و مشتعلا بنار محبته و مستبشرا بالبشارة الکبری حرکت بحوالی آنسامان نمودی گاهی شهمیرزاد و گاهی سمنان گهی در صحرا و گهی در مدن و گهی در قری نعره زنان ندای ملکوت بلند نمائی مقصدی جز نشر نفحات الهی و مرادی جز اعلاء وصایا و نصایح ربانی نداشتی شکر کن حضرت احدیت را که باین فضل موفور مؤیدی و در بحر سرور مستغرق و در این جهان آب و گل شادمانی محال و ممتنع مگر آنکه انسان دل بجهان دیگر بندد و سیر در عالم دیگر کند و مقصدش بلند و مرادش ارجمند باشد چون خود را موفق بیند درهای شادمانی گشوده شود و دلبر آمال و آرزو جلوه نماید این سرور ابدیست و فرح سرمدی و الا هر شادمانی را ناکامی در پی و هر کامرانی را پشیمانی در عقب اینست که لذائذ این عالم ظلمانیرا بسراب فانی تشبیه فرموده‌اند کسراب بقیعة یحسبه الظمآن ماء حتی اذا جآئه لم یجده شیئا باری اگر بدانی بسبب عبودیت آستان مقدس و خدمت امر مبارک چه قدر عزیزی البته جام لبریز بدست گیری و از صهبآء محبت الله شورانگیز شوی و نغمه و آهنگی زنی که شجر و حجر و مدر را باهتزاز و حرکت آری یاران الهی را جمیعا تحیت مشتاقانه برسان و علیک البهآء الابهی (ع ع)